



مذاکرات دومین سمپوزیوم آسیائی انجمن های اولیاء و
مربیان در دهلی نو

علل ناراحتی جوانان چیست؟
پدر و مادرها باید بطرف جوانان خود بروند و به درد
دل های آنها برسند

علت ناراحتی جوانان
آقای دکتر «سودان تساولا»، در دومین
سمپوزیوم آسیائی و پنجمین اجلاسیه کنفرانس
انجمن های ملی اولیاء و مربیان که در دهلی نو تشکیل
گردید گفت :

موضوعی که مورد بحث امروز ماست
مسئله اجتماعی و اقتصادی جوانان ناراحت
است. من نمیخواهم بگویم که هند در جهان سوم

همانطور که در شماره قبل با اطلاع
خوانندگان عزیز رسیدن دومین سمپوزیوم آسیائی انجمن
های ملی اولیاء و مربیان ایران روز شنبه دوازدهم اسفند
ماه ۱۳۵۱ برابر با ماه مارس ۱۹۷۳ در دهلی نو تشکیل
گردید و از طرف ایران خانم دکتر آصفه آصفی رئیس
هیأت مدیره و مدیرعامل انجمن ملی اولیاء و مربیان
در سمپوزیوم مذکور شرکت نمود که متن سخنرانی
ایشان در شماره گذشته درج گردید اکنون توجه
شمارا به بیانات سخنرانان دیگر این سمپوزیوم جلب میکنم



فاصله بین دو نسل بسیار چشمگیر است، برای شناختن مرض و پیدا کردن درمان آن بایستی راهی پیدا کرد، پیدا کردن این راه بدون راهنما میسر نیست. سازمانهای تربیتی بایستی عوض شوند و اعتماد بیشتر بچوانان داده شود.

جوانان چرا عصبانی هستند آقای کوپ تارا (از هند) گفت:

بچه‌های کلاس من ناراحت و عصبانی هستند و این حالت در هر یک بنحوی نمایان می‌شود که حالتی است واقعی و حقیقی و در کلاس بصورت تظاهرات درمی آید و منحصر بکلاس نیست می‌توان گفت همه جایی است یعنی در ایستگاه راه آهن، هنگام خرید و فروش حتی موقعی که دانشجو کنار چمن و سبزه نشسته است ناراحت و عصبانی است، وقتی در کلاس است چیزی نمی‌فهمد، دقت ندارد، مطالب را درک نمی‌کند، مسائل سیاسی را از دیگر مسائل تشخیص نمی‌دهد. ممکن است مسائل زیادی موجب این ناراحتی باشد و آنچه موجب ناراحتی یسکی از آنهاست ممکن است موجب ناراحتی دیگری نباشد.

برای یکی موضوع مذهب، دیگری مسئله اقتصادی، سومی سیاست ناراحتی است ولی

است. بهتر است اول وضع و موقعیت خودمان را توجیه و یک لحظه غرب را فراوش کنیم و به جهان سوم بیاندیشیم.

من اگر از ناراحتی جوانان صحبت می‌کنم منظورم، دانشگاه، مدارس عالی، جوانان دانشگاهی و فاصله‌ایست که بین نسل جوان و نسلهای دیگر وجود دارد.

یکی از علل ناراحتی‌هایی که جوانان دارند این است که تحولات تربیتی بسیار سریع است و ما نمیتوانیم همه این تحولات را جذب کنیم، علت دیگر مسائل اقتصادی و آموزش عالی است که برای جوانان قابل هضم نیست و در نتیجه عقده‌هایی پیدامیکنند، اگر بدانشگاه یا مدرسه عالی بروند، میخواهند تمیر و از هر لحاظ مرتب باشند و بتوانند همه را مجذوب خود کنند. اگر ما باین مسائل و مشکلات خوب دقت و به مشکل تهیه کار توجه کنیم میتوانیم توجیه بشویم که جوان چه می‌خواهد و بچه می‌اندیشد.

ما میخواهیم ناپرابری‌ها، موقعیت اقتصادی و سیاسی را از راه دستگاههای تربیتی درست کنیم.

درد باشید ، همانطور که گاندی گفته خواستن توانستن است .

رئیس جلسه : مشکلات وجود دارد ، فاصله مشهود است ، پدر بزرگ من درده زندگی میکرد سانسکریت میخواند پدرم سانسکریت را رها کرد برای اینکه انگلیسی بخواند و من امروز با او تفاوت زیاد دارم یعنی پدر من پلی بین من و پدر بزرگم بود . سال گذشته در برکلی بودم آنجا هم همین موضوعات مطرح بود ، بیکاری در آمریکا هم هست منتها تسهیلات زندگی آنها زیادتر است . پس قدری عمیق تر فکر کنیم ، باید به مشکل پدر ، مادر ، معلم و محل زندگی توجه داشته باشیم ، خسا نواده انعطاف پذیر تر و معلم مراقب تر باشد و بشا گردش آموزش بدهد تا او بتواند خود را یک فرد کامل حس کند ، باید نوعی هماهنگی بین مردم و دولت بوجود آید .

تحقیقات ایران

خانم کبیر : آیا هرگز تحقیقی درباره جوانان غیر دانشگاهی شده و تجزیه و تحلیل روانی ، اجتماعی و اقتصادی روی آنها بعمل آمده است ؟ اگر چنین شده حیف است که ما غافل باشیم چون جوانان امروز همه چیز را میدانند و ما نمیدانیم بنابراین حق دارند فکر کنند که باید بیشتر با آنها احترام گذاشت باید از افکار جوانانیکه می فهمند استفاده کرد . انجمن ملی اولیاء و مربیان ایران تحقیقی روی جوانان کرده که بسیار ارزنده است امیدوارم ما بتوانیم این نوع تحقیقات را بکنیم یا حداقل از تحقیق انجام شده ایران استفاده کنیم .
ما در دهلی مدارس داریم که دختر و پسر

دانشجو نمیتواند خودش را آماده سازد که با تمام مشکلات روبرو شود . دنیا هزار راه دارد جوان از کدام راه برود ؟ اگر جوان راهنما داشته باشد و با او نیز تفاهم داشته باشد آنوقت میدانند از کدام راه برود ، به کجا برود و چطور مملکتش را آباد نماید .

آقای پاون و رما با اشاره به تحولاتیکه در آرژانتین ، ونزوئلا و ژاپن بعمل آمده گفت :

جوانان راهنمایی میخواهند که با آنها برسد ، بچه های ناراحت چه میتوانند بکنند باید وجود آنها را قبول کرد و با آنها رسید ، با سواد و بیسواد در مسائل سیاسی اظهار نظر میکنند ناگزیر جوانان باید برای پیشرفت مملکت خود کاری بکنند .

دانشگاهها ، راه زندگی نشان نمیدهند

آقای وهرام عضو انجمن ملی اولیاء و مربیان دهلی گفت جوانان را درست راهنمایی نمیکنند ، جوانان را درست قبول ندارند همین امر سبب طغیان آنها میشود و چون میخواهند از سایرین متمایز باشند این غریزه خود را با پوشیدن لباس نامرتب بلند ، کردن مو ، مصرف مواد مخدر اقناع میکنند و مشکل دانشگاه این است که راه زندگی را نشان نمیدهد فقط بکارهای آکادمیک تکیه میکند ، درجه دانشگاهی فقط یک نامه است و حتی نمیتواند پاسپورتی برای کار کردن باشد . مسئله اقتصادی از جمله مسائلی است که جوانان را تحریک میکند . کتابخانه ، زمین ورزش و امثال آنها باندازه کافی نیست علت گرایش جوانان بسوی عادات ناپسند مسائل اقتصادی است نه سیاسی نیروهای جوانان را خراب نکنید بفکر درمان

با هم درس میخوانند و هیچ مشکلی در این زمینه نداریم. اگر ما از کودکی بچه‌ها را آموزش دهیم و پدر و مادرها هم مراقب باشند که پسر و دختر کاملاً با هم باشند هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. بسیاری از مخاطرات مولود تفاوت‌هایی است که بین مدرسه و کالج و دانشگاه و خانواده وجود دارد.

فرزندان برای ما سرمایه‌های بی نظیری هستند که باید آنها را تقویت کنیم. وظیفه انجمن‌های اولیاء و مربیان است که به حل این مشکل که یک مشکل اساسی و فکری نیست بلکه هم مهندسی است کمک کنند.

به جوانان رسیدگی کنید

آقای جی جی پراهو دکترو روانشناس:

جوانان ما طرفدار لوکس هستند رفتارشان با خانواده ظاهری است و باقتضای موقعیت تغییر میکند.

رویه هم رفته دو مشکل است که مرا خیلی ناراحت میکند، یکی طرز صحبت کردن جوانان با پدر و مادر و دیگری بچه‌های عقب افتاده.

جوانها با هم متفاوت هستند بعضی از ۱۴ سالگی احساس مسئولیت میکنند و بعضی دیگر از ۱۸ سالگی این وظیفه پدر و مادر است که مسئولیت و احترام متقابل را با آنها تفهیم کنند.

اگر جوان بسراغ شما نمیآید چرا شما بطرف او نمی‌روید؟ این غفلت پدر و مادر است که باید پایان‌آقرار کنند البته نمیگویم بچه‌ها را هیچوقت تنها نگذارید بلکه منظورم آنست که از دقت و مراقبت کوتاهی نکنید. مهمترین مسئله امروز تعلیم و تربیت پدر و مادر است، تعلیم و تربیت برای پدر شدن و مادر شدن از ۱۲

سالگی لازمست. مسائل جوانان را کسی می‌فهمد که تعلیم دیده باشد. باید اطمینان جوانان را جلب کرد.

مثلاً چه عیبی دارد پدر و مادر یک روز در خانه بمانند و از قبول کارهای دیگر چشم‌پوشند و بگویند امروز فقط مال بچه‌هاست و بآنها اختصاص دارد و این ترتیب حس مسئولیت را به جوان نشان دهند.

پدر و مادر قبل از آمادگی برای پدر و مادر شدن نمیتوانند مسائل و مشکلات را حل کنند انجمن‌های اولیاء و مربیان باید پدران و مادران را هدایت کنند.

سئوالات

پس از بیانات آقای جی جی پراهو سئوالات مطرح شد، یکی از پرسشگران گفت بعضی از معلم‌ها یا اولیاء ممکن است دارای دو شخصیت باشند یعنی در عین اینکه مادر یا پدر هستند معلم هم باشند در اینصورت چه می‌گوئید؟

جوان را از اصول باید مطلع کرد، پدر یا مادری که مربی هستند بهتر می‌توانند حقایق را بگوید و بگویند.

پرسشگر دیگر: نه یک کارگر میتواند مهندس باشد و نه یک خانواده پایین میتواند در سطح بالا زندگی کند، این تفاوتها در سازمان اجتماعی چه اثری روی وضع خانواده و جوان دارد؟

هر طبقه در وضع خودش باید اطلاعاتی کسب کند، اگر محبت و اطمینان در خانواده نباشد یک میلیون هم با تمام ثروتش نمیتواند خوشبخت باشد، من و همسرم هر دو کار میکنیم، وقت خیلی کم داریم هر دو در بیمارستان هستیم و بچه‌ها مدرسه ولی یکشنبه فقط برای بچه‌هاست و آنچه که آنها

بقیه در صفحه ۵۰